

مشعل داران

کتابخانه

درس چهارم: شجاعت در مسیر قهرمانی

درس چهارم: شجاعت در مسیر قهرمانی

• خوش آمد گویی: ۵ دقیقه

به نوجوانان، گرم، صمیمی و همراه با لبخند خوش آمد بگویید. اگر نوجوانی برای اولین بار در این جمع حضور دارد (تازه وارد، نوایمان یا مهمان)، او را به صورت ویژه خوش آمد بگویید و از یک نوجوانان داوطلب بخواهید که سایر نوجوانان را تک تک به عضو جدید (یا مهمان) معرفی کند و ابتدا خود شما آن نوجوان داوطلب را با ذکر یک نکته مثبت معرفی نمایید (با این کار عملاً نوجوانان را به این چالش می کشید که چگونه نکات مثبت یکدیگر را ببینند). سپس از عضو جدید (یا مهمان) بخواهید در معرفی خودش یک نکته مثبت بگوید و آن را به خاطر بسپارید.

• گپ و گفتگوی خودمانی: ۱۰ دقیقه

از نوجوانان در مورد تکالیف عملی هفته گذشته (پرداخت بها در مسیر قهرمانی) سوالاتی بپرسید، سعی کنید سوالاتتان در راستای تکلیف عملی باشد ولی تا جایی که امکان دارد از هر نوجوان سوال متفاوتی بپرسید.

به عنوان مثال:

کیمیا جان، آیا تا به حال برای رسیدن به هدف حاضر شده ای از برخی خواسته هایت بگذری؟ توضیح بدهید؟
آرتا جان، آیا در هفته گذشته با موردی روبرو شدی که به خاطر رسیدن به هدف مجبور به گذشتن از چیزی که دوستش داشتی بشوی؟

احسان جان، چطور انضباط داشتن می تواند در مسیر موفقیت به تو کمک کند؟ آیا تا بحال مجبور شده ای برای قرار گرفتن در یک انضباط مشخص در زندگی، خودت را در شرایط سخت قرار بدهی یا برخی از خواسته هایت را قربانی کنی؟ توضیح بدهید؟

• حدس زدن موضوع تعلیم: ۱۰ دقیقه

از نوجوانان بپرسید:

چه ورزش های خطرناکی را می شناسید که جزء بازی های المپیک هم هستند؟
به نظر شما چرا این ورزش هایی که گفتید خطرناک هستند؟ و چه خطری دارند؟
(خود شما میتوانید در خلال مشارکت به صخره نوردی اشاره کنید).

با توجه به تمام خطراتی که اشاره کردید، به نظر شما اولین ویژگی ورزشکاری که این نوع ورزش ها را انجام می دهد، چه می تواند باشد؟ (سعی کنید پاسخ ها را به سمت شجاعت جهت داده و متمرکز کنید).

• از یکدیگر می شنویم (پیش درآمدی بر تعلیم): ۵-۱۰ دقیقه

بحث قبلی را با این نتیجه گیری که حتما شجاعت مهمترین لازمه شرکت در چنین رشته های ورزشی است، به پایان برسانید و این سوالات را در مشارکت از نوجوانان بپرسید:

۱- به نظر شما یک شخص شجاع چه خصوصیتی دارد؟

۲- از یک تا ده، چقدر خود را شجاع می بینید؟

۳- به نظر شما برای قهرمان بودن، چقدر نیاز به شجاعت هست؟

۴- چگونه می توانیم شجاعت را در خودمان تقویت کنیم؟

• تعلیم : ۲۰۱۵ دقیقه

مقدمه

مربی عزیز، لطفا در این قسمت با اشاره به قسمت های قبلی مشارکت هفتگی نوجوانان در سری مشعل داران ایمان، به نوجوانان یادآوری کنید که تا کنون به سه کلید و سه محرک در مسیر قهرمانی و مشعل دار شدن در ایمان پرداختیم (پرش از روی موانع، باورداشتن خودمان بعنوان خلقت نیکوی خدا و پرداخت بها در مسیر قهرمانی) و امروز می خواهیم به کلید چهارم نگاه کنیم. شجاعت!

در این قسمت با اشاره به ورزش صخره نوردی (و یا نمونه های دیگر از ورزشهای المپیک که نیاز به شجاعت دارد و شما می شناسید یا نوجوانان در مشارکت اشاره کردند)، به اهمیت شجاعت در موفقیت در آن ورزش خاص و کسب قهرمانی تاکید کنید و در این قسمت با تشبیه زندگی و به صورت خاص زندگی در ایمان به مسابقه ای که برای کسب پیروزی در آن، شجاعت شرطی اساسی و بنیادی است، بحث تعلیم امروز را آغاز نمایید. و با ذکر مقدمه ای در این مورد وارد داستان خانم ملالی جویا (که در ادامه خواهد آمد) و شجاعت ایشان در دفاع از حقوق زنان افغان و جامعه دردمند افغانستان شوید.

بررسی یک شخصیت شجاع در دنیای امروز: ملالی جویا

مربی عزیز، بهتر است شما این بیوگرافی را پیش از جلسه بخوانید و در جلسه به زبان خودتان برای نوجوانان تعریف نمایید پیشنهاد میشود که برای درک بهتر نوجوانان، کمی در مورد وضعیت جامعه افغانستان برای آنها توضیح دهید تا با آشنایی از بستر جامعه بهتر بتوانند با شخصیت ملالی و کار بزرگ او ارتباط برقرار کنند. (سعی کنید بیشتر از ۵ دقیقه نشود):

ملالی جویا در ۴ ثور (اردیبهشت) ۱۳۵۷ در ولایت فراه در افغانستان به دنیا آمد. او چهار ساله بود که با خانواده به پاکستان مهاجرت کردند. در سال ۱۹۹۸ میلادی، در زمان طالبان، به افغانستان بازگشت و در مدارس زیر زمینی به تدریس کودکان و نوجوانان پرداخت و یک کلینیک بهداشت رایگان برای زنان و یک پرورشگاه برای کودکان بی سرپرست را مدیریت کرد.

او سال ۲۰۰۳ به عنوان نماینده ولایت فراه در مجلس قانون اساسی انتخاب شد و آنجا در حضور کسانی که آن ها را جنگ سالاران و بنیادگرایان میخواندند، اعتراض کرد و دفاع از حقوق مردمش را، به عنوان یک مقام سیاسی، با شجاعت فریاد کرد.

صحبت های او باعث شد تعدادی از نمایندگان گروه های اسلامی به او اعتراض و او را تهدید به مرگ کنند. در نتیجه سازمان ملل متحد مسئولیت محافظت او را به عهده گرفت.

آنها او را ملحد (کافر و مرتد) و کمونیست خطاب کردند و خواستند که او از مجلس اخراج شود و بابت سخنانش عذرخواهی کند. اما او نپذیرفت و گفت از آنچه گفته ام هرگز توبه نخواهم کرد.

در سال ۲۰۰۵، ملالی جویا نامزد انتخابات پارلمانی شد و به عنوان نماینده ولایت فراه، در مجلس شورای ملی (ولسی جرگه) حضور یافت. در آنجا نیز بارها شجاعانه در بالاترین سطح سیاسی کشور افغانستان، سخنان گذشته اش را تکرار کرد و گفت علت اصلی فاجعه افغانستان جنگ سالاران و بنیادگرا ها هستند. یک روز در سال ۲۰۰۶ تعدادی از نمایندگان مجلس افغانستان در جلسه به او حمله کردند و مجلس به هم ریخت.

در ژانویه ۲۰۰۷، در پارلمان افغانستان تصویب شد که تمام متهمان جنایات جنگی ۲۰ سال گذشته، بخشیده شده اند و خانم جویا پارلمان را تحریم کرد و با اعتراض شدید گفت: این کار خیانت ملی است.

نهایتا در سال ۲۰۰۷ پارلمان افغانستان با اکثریت آرا ملالی جویا را از مجلس اخراج و او را به دادگاه معرفی و این زن شجاع را ممنوع الخروج اعلام کرد.

سازمان دیده بان حقوق بشر ملالی جویا گفت: ملالی جویا یک مدافع سرسخت حقوق بشر و صدای بلندی برای زنان افغانستان و نباید از پارلمان اخراج شود. مجله تایم هم ملالی جویا را در لیست ۱۰۰ شخصیت پرنفوذ سال اعلام نمود.

این بانوی شجاع جوایز ارزنده بین المللی زیادی را تا به امروز دریافت نموده است و نه تنها این که همین امروز هم در داخل مرزهای سرزمین مادری اش افغانستان، شجاعانه به مطالبه حقوق هموطنان مظلوم و دردمند خود مشغول است. گرچه در میان تهدید و خطر و هر لحظه درانتظار ترور شدن میباشد.

بحث و گفتگو:

از نوجوانان بپرسید:

به نظر شما چقدر شجاعت این بانوی جوان ستودنی است؟ بانویی که در سرزمینی مرد سالار، برای حقوق قومش با شجاعت ایستاده است؟

آیا در کتاب مقدس شخصی را تا این اندازه شجاع، می شناسید؟

بررسی یک شخصیت شجاع در کتاب مقدس: استر

مربی عزیز، بهتر است شما داستان کتاب استر را از توطئه هامان تا انتهای باب ۳، به زبان خودتان برای نوجوانان تعریف نمایید (سعی کنید بیشتر از ۲ دقیقه نشود):

در زمان خشایارشا یهودیان زیادی در شوش و در سراسر ایران زندگی می کردند. خشایارشا وزیری به نام هامان داشت. شخصی یهودی به نام مردخای که عموی همسر شاه یعنی بانو استر بود نیز در دربار زندگی می کرد و یک بار هم جان شاهنشاه را از یک توطئه نجات داده بود. مردخای و استر یهودی بودند. به همین دلیل مردخای حاضر نبود به وزیر شاه یعنی هامان تعظیم نماید پس مورد خشم هامان قرار گرفت. هامان متوجه یهودی بودن مردخای می شود و تصمیم می گیرد نه تنها او، بلکه تمامی یهودیان را قتل عام کند. او خشایارشا را متقاعد می کند که این کار را انجام دهد و برای انجام توطئه خود، قرعه می اندازد و روز سیزدهم آذر را انتخاب می کند.

وقتی مردخای متوجه این توطئه می شود از استر می خواهد تا نظر شاه را تغییر دهد. استر از حضور در نزد شاه بدون خواسته شدن از طرف شاه، می هراسد زیرا مجازات حضور سرزده در نزد شاه، مرگ است. (در باب ۴ آیه ۱۶، استر به همین موضوع اشاره می کند هر چند خلاف قانون است؛ و اگر هلاک شدم، هلاک شدم) می توان گفت حضور در نزد شاه بدون خواسته شدن و دعوت از جانب او خلاف قانون بود و کسی که سرزده به حضور شاه می رفت مورد خشم شاه قرار می گرفت و امکان داشت کشته شود. مگر اینکه شاه به او رحم می کرد و چوگان زرین را به سمت او دراز می کرد تا شخص با لمس آن از خشم پادشاه و مجازات مرگ نجات پیدا کند.

بررسی کلام

مربی عزیز، نوجوانان را تشویق کنید که اگر مشتاق هستند کل داستان را بدانند، بعدا کتاب استر را مطالعه کنند سپس از یک نوجوان (داوطلب) بخواهید باب ۴ استر، آیات ۱ تا ۱۷ را روخوانی نماید.

ایده اصلی:

در المپیک زندگی، شجاعت یکی از کلیدها و رمزهای قهرمانی است. در تعریف شجاعت می گویند شجاعت یک خصوصیت یا ویژگی ذهنی یا روحی است که فرد را قادر می سازد بدون ترس، با مشکلات،

خطرها، درد و رنج و ... روبرو شود. اما دستیابی به این خصوصیت فردی نیاز به یک تصمیم دارد، پس می‌توانیم بگوییم شجاعت یک تصمیم است. اگر قصد داریم زندگی ما مشعلی روشن در دست آیندگان باشد، نیاز به دلیری داریم. شجاعت و شهامت یکی از خصوصیات قهرمانان ایمان است. شجاعت در نتیجه درک عمیق نیکویی خدا، باور و ایمان به او و اعتماد و از خودگذشتگی حاصل می‌شود. کتاب مقدس پر است از قهرمانانی که شجاعانه مشعلی در دست داشتند که با سپردن آن به نسل‌های بعد از خود، موجب برکت و پیشبرد نقشه‌ی خدا شده‌اند. امروز هر کدام از ما این فرصت را داریم که از طریق زندگی با شجاعت در ایمان، مشعلی روشن به دست آیندگان خود بدهیم.

نمونه استر در شجاعت:

مربی عزیز: لطفا این قسمت که ایده اصلی تعلیم است را چند بار مطالعه کنید و با توجه به متن و چهار رمز شجاعت که در اینجا ارایه شده است، این ایده اصلی را به نوجوانان انتقال دهید (می‌توانید نظر به شناختی که از نوجوانان دارید متن را اندکی بسط دهید یا از همین متن استفاده نمایید). در این آیات دیدیم که نهایتاً بانو استر هم درست مثل بانو ملالی تصمیم می‌گیرد برای حمایت و نجات قومش با وجود اینکه ممکن است جانش را از دست بدهد، در مقابل ظلم و توطئه و ترس و هزاران دلیل باز دارنده دیگر شجاعانه بایستد و در المپیک زندگی اش، مشعل شجاعت را در دست بگیرد و آن را به آیندگان بسپارد. این عمل شجاعانه استر منجر به نجات قومش می‌شود که بعداً می‌توانید کل ماجرا را در کتاب استر مطالعه نمایید. امیدواریم مبارزات شجاعانه بانو ملالی هم به آزادی ملت افغان ختم شود. اما آنچه که می‌خواهیم انجام دهیم این است که در این متن با هم چهار عامل مهم و یا چهار رمز اساسی برای داشتن شجاعت و شجاع بودن را بررسی کنیم.

رمز اول: برای شجاع بودن هدف و رویا لازم است.

همانطور که در داستان استر می‌بینیم، او هدف و رویای مهمی دارد. نجات قومش از نسل‌کشی و قتل عام. اتفاقاً خانم ملالی هم به هدف افغانستانی آزاد برای بانوان افغان و سایر مردم این سرزمین با شجاعت ایستاده است.

رمز دوم: شجاع بودن نیاز به از خودگذشتگی دارد.

کلام خدا از زبان استر می‌گوید: و اگر هلاک شدم، هلاک شدم! و این یعنی از خودگذشتگی، ماندن در سرزمینی که هر روزه چندین نفر آزادی خواه در آن ترور می‌شود، نیاز به از خودگذشتگی دارد.

رمز سوم: محرک شجاعت، اعتماد به نیکویی خدا است.

مردخای پیامی برای استر می‌فرستد: کسی چه داند، شاید که برای چنین زمانی به سلطنت رسیده‌ای. انگار به عبارتی می‌گوید به نیکویی خدایی که تو را به این مقام رسانده است، اعتماد کن.

رمز چهارم: شجاعت را باید از خدا طلبید.

استر نه تنها شخصا به حضور خدا می‌رود و با دعا و روزه از خداوند یاری می‌طلبد که او را شجاعت ببخشد و حمایت کند، بلکه برای مردخای هم پیامی می‌فرستد: برو و همه یهودیان را که در شوش هستند، گرد آور و برای من روزه گرفته، سه شبانه‌روز نه چیزی بخورید و نه چیزی بیاشامید. من و ندیمه‌هایم نیز مانند شما روزه خواهیم گرفت. آنگاه نزد پادشاه خواهیم رفت، هرچند خلاف قانون است.

نتیجه گیری

با مقایسه زندگی این دو بانوی بزرگوار، بانوی شجاع افغان، ملالی جویا و بانوی شجاع کلام، استر، درمیابیم که حتی در سخت ترین شرایط هم می توان شجاع بود و با شجاعت در المپیک زندگی و در ایمان، در مسیر قهرمانی گام برداشت. شجاعت بیشتر از آن که یک خصوصیت فردی باشد، یک تصمیم است. ما می توانیم تصمیم بگیریم که شجاع باشیم. و مشعل شجاعت را به دست آیندگان بسپاریم. برای شجاعت باید رویا داشت، از خودگذشتگی داشت و با ایمان به نیکویی خدا، شجاعت را به تمام دل از او طلبید.

شجاعت بیشتر از آن که یک خصوصیت فردی باشد، یک تصمیم است.

گفتگو

مربی عزیز این دو سوال را از نوجوانان بپرسید و اجازه دهید آزادانه در این مورد نظراتشان را بیان کنند:

۱. با توجه به دو نمونه شجاعت که با هم بررسی کردیم، شما فکر می کنید همه ما فارغ از این که در چه شرایطی هستیم، می توانیم شجاعت را تجربه کنیم؟ چگونه؟
۲. رویای شما که می خواهید برای رسیدن به آن شجاعت داشته باشید، چیست؟

• آیه کلیدی برای حفظ کردن: ۲ دقیقه

نوجوانان را دو به دو گروه بندی کنید (اگر جلسه آنلاین است، ایشان را دو به دو به گروه های کوچک بفرستید) و برای حفظ آیه ۲ دقیقه به آنها فرصت بدهید.

مزمور ۱۳۸ آیه ۳.

در روزی که خواندم، مرا اجابت فرمودی؛ و مرا در دلم شجاع ساختی!

دعا و پرستش: ۸-۱۰ دقیقه

• [فرزند خدا هستم](#)

• [نترسم](#)

• بازی: ۱۰ دقیقه

داستان نویسی

نوجوانان را به سه گروه تقسیم کنید و به هر دسته یک سری از کلامت زیر را بدهید و از آنها بخواهید ظرف ۳ دقیقه با این کلمات یک داستان کوتاه بسازند. (اگر جلسه در زوم برگزار می گردد، می توانید آنها را به سه اتاق مجزا بفرستید). سپس یک نماینده از هر گروه، داستان گروهش را تعریف کند. در پایان نوجوانان را تشویق کرده و در صورت امکان می توانید به گروهی که بهترین داستان را تعریف کرد، جایزه دهید.

گروه ۱: سوزن - گورخر - شجاعت - مدرسه - قرمز - شکلات تلخ - فوتبال آمریکایی

گروه ۲: فرش - فلافل - زودپز - مرد عنکبوتی- آبشار - شجاعت - صخره نوردی

گروه ۳: عسل - بارسلونا - شجاعت - انگشتر - بیمارستان - رادیاتور - شیرجه

• قدم عملی: ۱۰ دقیقه

۱- در این هفته آیات زیر را بخوانید و در مورد آن ها تفکر و تامل کنید. سپس برکاتی را که می گیرید یادداشت کنید و در جلسه بعد با مربی و سایر نوجوانان در میان بگذارید.

اول پادشاهان ۲۰:۲۸ ؛ یوشع ۱:۹ ؛ تثنیه ۳۱:۶ و فیلیپیان ۱:۱۲-۱۴

۲- در این هفته هر روز در رازگهان، از خداوند شجاعت بطلبید. اگر لازم بود روزه بگیرید. می توانید از مربی نوجوانان بخواهید با شما در روزه و دعا سهیم شوند.

۳- در این هفته در مورد یک عمل شجاعانه نیکو برای خداوند، یا قوم او، که در دل دارید، ولی شاید پیش از این جرات انجامش را نداشتید، با مربی خود مشورت کنید و زیر نظر ایشان و با هدایت خدا، انجام بدهید.